

امیدی به دیپلماسی
با اروپا وجود ندارد

مرتضی مکی

تحلیل‌گر مسائل اروپا

➔

رویکرد جدید سه قدرت اروپایی و اتحادیه اروپا به ایران ناشی از نگاهی است که دولت‌های اروپایی از حدود سه سال پیش به ایران پیدا کرده‌اند. سه عامل اثرگذار در این تغییر رویکرد ناشی از حمله روسیه به اوکراین، ناآرامی‌های ۱۴۰۱ درون ایران و جنگ غزه بودند. این رخدادها باعث شد که اروپا نقش خود را به عنوان تسهیل‌گر، میانجی و پلیس خوب که در پرونده هسته‌ای ایران طی دو دهه پیش بازی می‌کردند، کنار بگذارند. در کنار این عوامل، نباید از نقش لابی اسرائیل به سادگی گذشت. لابی اسرائیل که تا پیش از این در آمریکا بسیار فعال و اثرگذار بود در سال‌های اخیر در اروپا نیز بسیار فعال شد. در یک سال اخیر این فعالیت‌ها شدت بیشتری گرفت و مقام‌های اسرائیلی به شکل مستمر با مقام‌های اروپایی در تماس بودند. برای مثال همین چند دور مذاکرات اخیر که در استانبول و ژنو میان دیپلمات‌های ایرانی و اروپایی انجام شد، بلافاصله با دیدارهایی با مقام‌های اسرائیلی همراه می‌شد. زاهدرد سیاست خارجی اروپایی‌ها در قبال ایران در مدت اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای تحت تأثیر لابی اسرائیل قرار گرفت و در عین حال مانند گذشته پیرو سیاست‌های ایالات متحده آمریکا بود. در ماه‌های اخیر در بسیاری از موارد، حتی فراتر از خواست‌های مقام‌های آمریکایی رفته‌بود که نشان می‌داد مواضع اروپایی‌ها بیش از آنکه با آمریکا هماهنگ شود، در حال نزدیک شدن به اسرائیل است. در برابر هر اندازه که ایران انعطاف بیشتری نشان می‌داد، از جمله امضای توافقنامه قاهره میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسته پیشنهادی اخیر آقای عراقچی به سه کشور اروپایی، باعث نشد که سه قدرت اروپایی از مواضع حداکثری خودشان عقب‌نشینی کنند و فراتر از موضوع هسته‌ای، مسئله توان موشکی ایران را نیز روی میز قرار دادند که در عمل باعث به بن‌بست کشیده‌شدن مذاکرات ایران و اروپا شد.

در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که این هفته آغاز می‌شود، تنها رخدادی که ممکن است راهگشا باشد، دیدار میان مقام‌های ایرانی و آمریکایی است. تا پیش از این از آنجا که مقام‌های اروپایی نقش تسهیل‌گری و میانجی‌گری بر عهده داشتند و تلاش می‌کردند دیدارها و تماس‌هایی میان ایران و آمریکا شکل بگیرد اما مواضع اروپایی‌ها بسیار تندتر از گذشته شده‌است و در نیویورک فقط باید منتظر یک اتفاق خارق‌العاده و پیش‌بینی‌نشده بود که بتواند مانع اجرای اسنپ‌بک شود اما احتمال چنین رخدادی بسیار ناچیز است.

تردید وجود ندارد که دیپلماسی ایران در قبال اروپایی‌ها در چند سال اخیر، سیاست هوشمندانه و مدیرانه‌ای نبود و نگاه بلندمدت در روابط با اروپا وجود نداشت. اگر پس از حمله روسیه به اوکراین، جمهوری اسلامی ایران به شکل جدی وارد گفت‌وگو با اروپایی‌ها می‌شد که نشان دهنده همکاری‌های دفاعی ما با روسیه، تهدیدی علیه اتحادیه اروپا نیست، مذاکرات جدی بین ایران و اروپا برای برطرف کردن نگرانی‌های اروپا شکل می‌گرفت. چنین اقداماتی در زمان خود می‌توانست از رسیدن به نقطه‌ای که امروز با اروپا در آن قرار داریم جلوگیری کنیم. حتی تا یک سال پس از حمله روسیه به اوکراین، اروپایی‌ها مجدانه در گفت‌وگوهای احیای برجام مشارکت می‌کردند. مذاکرات علی‌بافری‌کنی، معاون وقت وزیر امور خارجه با همتایان اروپایی برای احیای برجام تا شهریور ۱۴۰۱ (ماه‌ها پس از آغاز جنگ اوکراین) به نتایج ملموسی برای احیای برجام رسیده‌بود اما در آن دوران با توهم زمستان سخت اروپا، در تهران عده‌ای با احیای برجام و بازگشت به وضعیت پیش از خروج دونالد ترامپ از برجام، مخالفت کردند و مذاکرات به شکست کشیده‌شد. فرصت‌های زیادی وجود داشت که ما از آن استفاده نکردیم. علاوه بر رویکرد خصمانه اروپا و بدعهدی‌های کشورهای اروپایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم قصورهایی داشته‌است که اگر اتفاق نمی‌افتاد، الان در این موقعیت نبودیم.

دیپلماسی

DIPLOMACY



گتسی: Gettyimages

قطع امید از دیپلماسی؟

در غیاب اراده سیاسی جدی دورنمایی برای توافق با هدف توقف اسنپ‌بک وجود ندارد

در ماه‌های اخیر به زبان تهدید تبدیل شده‌است، اروپایی‌ها تهدید می‌کنند که اگر ایران گام‌های عملی در خصوص رفع نگرانی از برنامه هسته‌ای‌اش برندارد، ۶ قطعنامه تعلیق‌شده شورای امنیت سازمان ملل متحد را بر اساس برجام باز می‌گردانند. در برابر ایران هم تهدید کرده‌است که در صورت بازگشت تحریم‌ها، اروپا را کاملاً از مذاکرات هسته‌ای کنار می‌گذارد و همکاری‌های خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطع می‌کند. در طول دوهفته گذشته ایران ابتکارهایی برای جلب رضایت اروپایی‌ها برای انصراف از بازگرداندن تحریم‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه داده‌است. اما این بسته‌های پیشنهادی هیچ‌یک نتوانستند رضایت اروپا را جلب کنند. استدلال اروپایی‌ها این است که ایران در این بسته‌های پیشنهادی هیچ گام عملی را برای برطرف کردن نگرانی‌های اروپایی‌ها تا پیش از ضرب‌الاجل ۲۷ سپتامبر (۵ مهر) برای بازگشت



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

مواجهه ایران و سه کشور اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل متحد به پایان خود نزدیک می‌شود. به نظر می‌رسد که دو طرف به سرعت در حال حرکت به سمت تصادم با یکدیگر هستند و اراده‌ای برای توقف در هیچ‌ک از طرف‌ها وجود ندارد. اگر اتفاق خارق‌العاده‌ای در پنج روز پیش رو رخ ندهد، بامداد یک‌شنبه ۶ مهر رخدادی در روابط ایران و اروپا شکل می‌گیرد که می‌تواند برای همیشه ماهیت رابطه ایران را با قدرت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا دچار تحول کند. زبان گفت‌وگوی ایران و سه کشور اروپایی

غرب قواعد دیپلماسی را رعایت نمی‌کند

کاسته نمی‌شوند و تحریم‌ها هم هیچ وقت، آنگونه که ایران انتظار دارد، مرتفع نخواهد شد. در نتیجه اینجا سوال این نیست که ایران چه باید بکند، سوال این است که آیا طرف مقابل واقعاً اراده سیاسی برای رسیدن به یک توافق برد-برد با ایران دارد یا صرفاً به دنبال اعمال زور و سلطه خود بر ایران است. ایران در ۱۰ سال گذشته نشان داده که در دیپلماسی راهکرد رویکردها و راهکردهای دیپلماسی را دنبال می‌کند، اما طرف مقابل همواره این رویکرد را پس زده‌است، چه زمانی که آمریکا از برجام خارج شد و چه همین امروز که اروپایی‌ها حاضر به پذیرش بسته‌های پیشنهادی ایران و توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیستند، حتی اگر همین فردا هم توافقی حاصل شود که مکانیسم اسنپ‌بک چند ماه تمدید شود، یک اقدام موقت خواهد بود و غرب هیچ‌وقت این فرصت طلایی را برای اینکه همیشه امکان مهار کردن ایران را داشتنباشد، از دست نمی‌دهد.

گزینه‌هایی برای ایران وجود دارد که می‌تواند از طریق آنها فشار و ضرب‌بهای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل را کنترل کند. از جمله این است که ایران از طریق چندجانبه‌گرایی با کشورهای قدرتمند غربی و کشورهای همسایه، با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و دیپلماسی عمومی، بتواند تا حدی با تقویت اقتصاد داخلی این آسیب‌ها را کاهش دهد. در غیر این صورت از نظر من غرب به دنبال راه‌حل نیست. غرب خواهان تضعیف ایران است. برای غربی‌ها ادراک بازدارندگی تغییر کرده و تصور غرب درست یا غلط بر این است که ایران راهی برای پیشبرد استقلال سیاسی یا استقلال نظامی خود ندارد و به همین دلیل آنها امکان حمله نظامی و فشار اقتصادی بیشتر را به ایران دارند. هدف آنها این است که بدون اینکه هزینه‌ای امتیازی بدهند، ایران را غیراتمی، غیرنظامی و ورشکسته کنند. تهران باید این فهم و ادراک توازن قدرت را تغییر دهد. یعنی اینکه امیدی به رسیدن به یک راهکار مذاکره‌شده برای تغییر رویکرد غرب وجود ندارد و ایران مجبور است در هر شرایطی تلاش کند وضعیت اقتصاد داخلی را بهبود بخشد، تاب‌آوری کشور و توانمندی‌های دفاعی و نظامی‌اش را بهبود بخشد تا بتواند به شکل پایدار هرگونه اقدام خصمانه از طرف کشورهای غربی را خنثی کند و فشار اقتصادی و تحریمی را برای تحمل کند. نهایتاً غرب باید به این باور برسد که راهکاری بدون هزینه‌ای برای تسلیم کردن ایران وجود ندارد و فهم و ادراک بازدارندگی در آنها مجدداً تغییر کند و مجبور شوند که برای رسیدن به توافق به ایران، امتیازهایی را ارائه کنند.

مشکل آمریکا با ایران پرونده هسته‌ای بود، تردیدی وجود نداشت که برجام می‌توانست تا حد بسیار زیادی نگرانی‌های آمریکا و متحدانش را برطرف کند. گزارش‌های نهادهای اصلی امنیتی آمریکا نشان می‌داد که ایران به دنبال بمب اتم نیست و باقی ماندن در برجام، تضمین کافی در اختیار غرب قرار می‌داد که ایران نتواند به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. اما امروز می‌بینیم که خواسته‌های اصلی طرف غربی، به ویژه آمریکا و اسرائیل علنی شده‌است که شامل کنار گذاشتن کامل صنعت هسته‌ای، محدود کردن توانمندی‌های نظامی، به‌ویژه توانمندی موشکی و کاهش و نهایتاً قطع کامل نفوذ ایران در کشورهای منطقه است.

من معتقدم که آمریکا در چارچوب هیچ توافقی حاضر نخواهد شد تحریم‌های خود علیه ایران را کنار بگذارد، چرا که رفع تحریم‌ها باعث توانمندی و قدرتمند شدن ایران می‌شود. ممکن است توافقی مانند برجام بتواند بخشی از تحریم‌ها را کاهش دهد اما نهایتاً تحریم‌ها باقی خواهند ماند و حالا آمریکایی‌ها به جد دنبال این هستند که با از بین بردن دستاوردهای برجام، تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل متحد را هم احیا کنند. من حتی تصور می‌کنم که اگر برجام به خوبی پیش می‌رفت و آمریکا از برجام خارج نمی‌شد، باز هم طرف آمریکایی پنهانی اقدامی کرد که از طریق آن قطعنامه‌های شورای امنیت را مجدداً احیا کند. سه بازیگر اصلی طرف ایران، هر یک خواسته‌های مشخصی دارند. اسرائیل خواهان یک ایران فروپاشیده، ورشکسته و چندتکه است، آمریکا خواهان یک ایران ضعیف است که قدرت چانه‌زنی و اثرگذاری در منطقه نداشته‌باشد و اروپایی‌ها خواهان این هستند که ابزار به‌زعم آنها تهدید، یعنی قدرت نظامی و توانمندی هسته‌ای را از ایران سلب کنند.

هر چند موضع اروپا نسبت به آمریکا و اسرائیل، کمتر تهاجمی است، اما به دلیل اختلاف‌های اساسی به واشنگتن از جمله جنگ اقتصادی و تعرفه‌ها و هم‌زمان وابستگی امنیتی اروپا به آمریکا و جنگ اوکراین، اروپایی‌ها احساس می‌کنند که باید امتیازاتی به آمریکا بدهند که یکی از آنها در مسئله ایران و پیروی از سیاست آمریکا در پرونده ایران است. در عین حال سیاست آمریکا هم روزبه‌روز اسرائیلی‌تر می‌شود. در واقع قنمندان در خصوص ایران روز به روز به اسرائیل نزدیک‌تر می‌شود.

با توجه به تجاری که در منطقه داریم مطمئناً فشارها بر ایران هیچ وقت



علم صالح

استاد روابط بین‌الملل

دیپلماسی یک بازی یک‌طرفه نیست یک بازی شطرنج است که طرف مقابل شما هم باید قواعد بازی را رعایت کند تا بتوان به نتیجه رسید. امروز این مسئله رایج شده‌است که دستگاه سیاست خارجی ایران چه باید بکند یا چه باید می‌کرد که مذاکرات با غرب به موفقیت برسد. به نظر من این سوال درست یا کاملی نیست. در مذاکرات ایران و غرب، یک طرف دیگر هم وجود دارد. باید مواضع و رفتارهای طرف مقابل هم در نظر گرفته‌شود. برای به نتیجه رسیدن مذاکرات، تردیدی وجود ندارد که هر دو طرف باید مجاب شوند و نمی‌توان یک‌طرفه مذاکره را به نتیجه رساند. اما الان شاهد این هستیم که یک طرف، یعنی ایران، هنوز به رویکردهای دیپلماتیک پایبند است. ما این رویکرد را از ۲۰۱۵ تا به امروز از سوی ایران دیده‌ایم و می‌بینیم. در برابر طرف مقابل اینگونه نیست. آمریکا هر زمان بخواهد پیش‌شرط می‌گذارد، شرایط مذاکره را بر مبنای خواست خودش تعیین می‌کند، و حتی وقتی توافق می‌کند، هر زمان که اراده کند از توافقی که امضا کرده‌است خارج می‌شود. آمریکا برای وادار کردن طرف مقابل به پذیرش درخواست‌هایش در میز مذاکره، از هر روشی جدای از دیپلماسی استفاده می‌کند و تا به امروز دیده‌ایم که از تحریم، فشار حداکثری، اقدام‌های خرابکارانه، ترور و اخیراً هم جنگ برای دنبال کردن اهدافش استفاده کرده‌است. آمریکا از یک سو برای خود هیچ قاعده و قانونی نمی‌پذیرد و از طرف دیگر از ایران می‌خواهد که کاملاً پایبند عمیق به همه قوانین و قیود باشد. در شرایط فعلی میز مذاکره ایران و غرب به مسابقه‌ای شبیه شده‌است که در آن یک طرف با قواعد شطرنج بازی می‌کند و طرف مقابل با ترکیبی از قوانین بوکس، فوتبال آمریکایی و ورزش‌های رزمی وارد بازی شده‌است. چنین مذاکره‌ای قطعاً به نتیجه نمی‌رسد. روش آمریکا در مواجهه با ایران در واقع یک رویکرد نواستعمارگرانه است و ناشی از نگاه بالا به پایین آمریکا و کلیت غرب است.

باروندی که وقایع طی کرده‌اند، دیگر تردیدی وجود ندارد که مشکل آمریکا و اسرائیل با ایران، مسئله هسته‌ای نیست، بلکه مشکل قدرت است. اگر صرفاً